

۱۱۸ - دستور بیت العدل و اعضاء آن

در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ: " قد كتب الله على كلّ مدينة أن يجعلوا فيها بيت العدل و يجتمع فيه النفوس على عدد الهاء و ان ازداد لا بأس و يزوّن كأتهم يدخلون محضر الله العليّ الأعلى و يرون من لا يرى و ينبغى لهم أن يكونوا امناء الرّحمن بين الامكان و وكلاء الله لمن على الارض كلّها و يشاوروا في مصالح العباد لوجه الله كما يشاورون في امورهم و يختاروا ما هو المختار كذلك حكم ربكم العزيز الغفار اياكم ان تدعوا ما هو المنصوص في اللّوح اتقوا الله يا اولى الأنظار و نوصى رجاله بالعدل الخالص ليصرفوا ما اجتمع عندهم في ما امروا به من لدن عليم حكيم ... يا رجال العدل كونوا رعاة غنام الله في مملكته و احفظوهم عن الذناب الذين ظهروا بالأثواب كما تحفظون ابناءكم كذلك ينصّحكم الناصح الأمين "

و در لوحى است قوله الاعلى: " هو الحاكم على ما يشاء " قد كتب الله على كلّ مدينة ان يجعلوا فيها بيت العدل و يجتمع فيه النفوس على عدد الهاء و ان ازداد بأس و يرون كأتهم يدخلون محضر الله العليّ الاعلى و يرون من لا يرى و ينبغى لهم ان يكونوا امناء الرّحمن بين الامكان و وكلاءه لمن على الارض كلّها و يشاوروا في مصالح العباد كما يشاورون في امورهم و يختاروا ما هو المختار كذلك امر ربكم العزيز الغفار جمال قدم مخاطباً الى الامم ميفرمايد در هر مدينة از مداين ارض باسم عدل بيتى بنا کنند و در آن بيت على عدد الاسم الاعظم از نفوس زكيّه مطمئنّه جمع شوند و بايد آن نفوس حين حضور چنان ملاحظه کنند كه بين يدى الله حاضر ميشوند چه كه اين حكم محكم از قلم قدم جارى شده و لحاظ الله بأن مجمع متوجّه و بعد از ورود بايد وكالّه من انفس العباد در امور و مصالح كلّ تكلم نمايند مثلاً در تبليغ امر الله اولاً چه كه اين امر اهمّ امور است تا كلّ كنفس واحده در سرادق احديّه وارد شوند و جميع من على الارض هيكل واحد مشاهده شوند و همچنين در آداب نفوس و حفظ ناموس و تعمير بلاد و السّياسته الّتى جعلها اسماً للبلاد و حرزاً للعباد ملاحظه کنند و تبليغ امر الله نظر بحال اوقات و اعصار ملاحظه شود كه چگونه مصلحت است و همچنين سائر امور و آنرا مجرى دارند ولكن ملتفت بوده كه مخالف آنچه در آيات در اين ظهور عزّ صمدانى نازل شده نشود چه كه حقّ جلّ جلاله آنچه مقرر فرموده همان مصلحت عباد است انّه ارحم بكم منكم انّه لهو العليم الخبير اگر نفوس مذكوره بشرائط مقررّه عامل شوند البتّه بعنايات غيبيه مؤيد ميشوند اين امرى است كه خيرش به كلّ راجع ميشود و بسيارى از امور است كه اگر اعتنا نشود ضايع ميشود و باطل خواهد ماند چه بسيار از اطفال

که در ارض بی اب و امّ مشاهده میشوند اگر توجّهی در تعلیم و اکتساب ایشان نشود بی ثمر خواهد ماند و نفس بی ثمر موتش ارجح از حیات او بوده و همچنین در اغنیاء و اعزّه که بعثت ضعف پیری و یا امر آخر به فقر و ذلّت مبتلا شده‌اند باید در کلّ این امور و امورات دیگر که متعلّق بارض است این نفوس لله تفکّر و تدبّر نمایند و آنچه صواب است اجراء دارند اگر عباد بطرف فؤاد ناظر شوند یقین میدانند که آنچه از مصدر امر نازل شده محض خیر است از برای من علی الارض کلّ باید بمثابه جناح باشند از برای یکدیگر فخر انسان در حکمت و عقل و اخلاق حسنه بوده نه در جمع زخارف و کبر و غرور کلّ از تراب مخلوق و باو راجع ای اهل بهاء زینت انسان باسباب دنیا نبوده بلکه بعرفان حقّ عزّ اعزازه و علوم و صنایع و آداب بوده شما لثالی بحر احدیتید در لوء لوء ملاحظه کنید که صفا و عزّت او بنفس او بوده اگر او را در حریرهای بسیار لطیف بگذارند آن حریر مانع ظهور طراوت و لطافت او خواهد شد زینت او بنفس اوست کسب این زینت نمائید و از عدم اسباب ظاهره محزون نباشید ای اشجار رضوان خود را از ارباب ربیع عنایت الهی منع نکنید و از نفعات کلمات حکمتیهٔ بهائیه محروم ننمائید عنایت بمقامی است که مع غفلت کلّ و این بلیّهٔ کبری در سجن عکا از قلم ابهی جاری فرموده آنچه را که خیر عباد او بوده آنّه هو الغفور الرحیم "

و در سورة الهیکل ضمن لوح خطاب بویکتوریا ملکهٔ انگلیز است قوله الاعلی : " و سمعنا انک اودعت زمام المشاورة بایادی الجمهور نعم ما عملت لأنّ بها تستحکم اصول ابنیة الامور و تطمئنّ قلوب من فی ظلک من کلّ و ضیع و شریف ولكن ینبغی لهم بأن یكونوا امناء بین العباد و یرون انفسهم وکلاء لمن علی الارض کلّها هذا ما وعظوا به فی اللوح من لدن مدبّر حکیم و اذا توجّه احد الی المجمع یحوّل طرفه الی الافق الاعلی و یقول یا الهی اسألک باسمک الابهی ان تؤیّدنی علی ما تصلح به امور عبادک و تعمّر به بلادک انک انت علی کلّ شی قدیر طوبی لمن یدخل المجمع لوجه الله و یحکم بین الناس بالعدل الخالص الا انه من الفائزین "